

Factors Affecting the Socialization of Secondary High School Students Based on the Sociological Principles of the Fundamental Transformation Document of the Public Formal Education System of the Islamic Republic of Iran

ARTICLE INFO

Article Type

Analytical Review

Authors

Ali Murad Karami¹
Masoumeh Samadi^{2*}
Mohammad Armand³
Fahimeh Ansarian⁴

How to cite this article

Ali Murad Karami, Masoumeh Samadi, Mohammad Armand, Fahimeh Ansarian, Factors Affecting the Socialization of Secondary High School Students Based on the Sociological Principles of the Fundamental Transformation Document of the Public Formal Education System of the Islamic Republic of Iran, *Journal of Islamic Life Style Centeredon Health*, 2020:4(2): 173-182.

1. PhD Student, Department of Counseling and Philosophy of Education, Tehran Central Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. Associate Professor, Department of Islamic Education, Research Institute of Education, Tehran, Iran (Corresponding Author).

3. Associate Professor, Department of Curriculum Planning, Humanities Research and Development Research Institute, Tehran, Iran.

4. Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

* Correspondence:

Address:

Phone:

Email: fsamadi30@yahoo.com

Article History

Received: 2020/07/05

Accepted: 2020/09/07

Published: 2020/09/21

ABSTRACT

Purpose: The main purpose of this article was the factors affecting the socialization of high school students based on the sociological foundations of the document of fundamental change in the formal public education system of the Islamic Republic of Iran.

Materials and Methods: The method of conducting research is mixed (qualitative-quantitative). In order to conduct this research, in addition to the documentary study, the content analysis technique with MAXQDA12 software was used to identify the factors and components. The statistical population in this study was all experts in the field of philosophy of education and educational management, which was done after an interview with 16 theoretical saturations. And all the interviews lasted between 60 and 85 minutes. Semi-structured interviews with experts were conducted in 1399 in the form of open source, selective and selective codes, and the structural equation method was used to determine the extent of impact and the share of factors. According to the semi-structured interviews, 246 open codes and 55 central codes for the socialization of secondary school students were extracted based on the sociological foundations of the document of fundamental change.

Findings: The results showed that according to the researcher-made questionnaire with Likert scale, the effective factors and their share were determined. Among the interpersonal dimensions with a coefficient of 0.720, the most impact and among the components, respectively, school, creativity and skills, value and culture, attitude, social, communication and interaction, family, economics and politics had the largest share in students' socialization.

Conclusion: Based on the results, 2 dimensions (intrapersonal and environmental factors) and 9 components (pivotal code) and 48 indicators (open code) for socialization of high school students based on the sociological foundations of the document of fundamental change were extracted.

Keywords: Socialization, High School Students, Document of Fundamental Change, Sociology

عوامل موثر بر جامعه پذیری دانش آموزان متوسطه دوم بر اساس مبانی جامعه شناختی سند تحول بنیادین نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران

علیمراد کرمی^۱

دانشجوی دکتری، گروه مشاوره راهنمایی و فلسفه تعلیم و تربیت، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

معصومه صمدی^{۲*}

دانشیار، گروه تعلیم و تربیت اسلامی، پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

محمد آرمنند^۳

دانشیار، گروه برنامه ریزی درسی، پژوهشگاه تحقیق و توسعه علوم انسانی سمت، تهران، ایران.

فهیمه انصاریان^۴

استادیار، گروه علوم تربیتی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

هدف: هدف اصلی این مقاله عوامل موثر بر جامعه پذیری دانش آموزان متوسطه دوم بر اساس مبانی جامعه شناختی سند تحول بنیادین نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران بود.

مواد و روش ها: روش انجام پژوهش آمیخته (کیفی-کمی) است. برای انجام این پژوهش علاوه بر مطالعه اسنادی، از تکنیک تحلیل مضمون با نرم افزار MAXQDA12، برای شناسایی عوامل و مؤلفه ها استفاده شده است. جامعه آماری در این پژوهش تمام خبرگان در حوزه فلسفه تعلیم و تربیت و مدیریت آموزشی بودند که بعد از انجام مصاحبه ۱۶ اشباع نظری صورت گرفت. و تمام مصاحبه ها بین ۶۰ تا ۸۵ دقیقه به طول انجامید. مصاحبه های نیمه ساختار یافته با خبرگان در سال ۱۳۹۹ به صورت کد های باز و محوری و گزینشی انجام شده و برای تعیین میزان اثرگذاری و سهم عوامل از روش معادلات ساختاری استفاده شده است. با توجه به مصاحبه های نیمه ساختار یافته، ۲۴۶ کد باز و ۵۵ کد محوری برای جامعه پذیری دانش آموزان متوسطه دوم بر اساس مبانی جامعه شناختی سند تحول بنیادین استخراج گردید.

یافته ها: یافته ها نشان داد با توجه به پرسشنامه محقق ساخته با طیف لیکرت عوامل اثرگذار و سهم آنها مشخص گردید. از بین ابعاد درون فردی با ضریب ۰,۷۲۰ بیشترین تأثیر و از بین مولفه های به ترتیب مدرسه، خلاقیت و مهارت، ارزشی و فرهنگی، نگرش، اجتماعی، ارتباطات و تعامل، خانواده، اقتصادی و سیاسی بیشترین سهم را در جامعه پذیری دانش آموزان داشتند.

نتیجه گیری: بر اساس نتایج در نهایت ۲ بعد (درون فردی و عوامل محیطی) و ۹ مولفه (کد محوری) و ۴۸ شاخص (کد باز) برای

جامعه پذیری دانش آموزان متوسطه دوم بر اساس مبانی جامعه شناختی سند تحول بنیادین استخراج گردید.

کلمات کلیدی: جامعه پذیری، دانش آموزان دوره دوم متوسطه، سند تحول بنیادین، جامعه شناختی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۱۷

*نویسنده مسئول: fsamadi30@yahoo.com

مقدمه

نهادهای اجتماعی وظیفه شان شکل دادن به افکار، رفتار و شخصیت افراد بر اساس ارزش ها و هنجارهایی است که خود این نهادها حامل آن هستند. این نهادها توسط فرآیند جامعه پذیری؛ تجربیات، ارزش ها و هنجارها را به افراد منتقل می کنند و فرد بر اثر همنا شدن با ارزش ها و هنجارهای گروه، وظائف، رسم های اجتماعی، تشریفات، آداب اجتماعی، اخلاق، سنت های اجتماعی و رفتار مناسب برای زندگی در جامعه را می آموزد(۱).

اجتماعی شدن فرایندی است که به انسان، راه های زندگی کردن در جامعه را می آموزد، شخصیت می دهد و ظرفیت های او را در جهت انجام وظایف فردی و به عنوان عضو جامعه، توسعه می بخشد، در آغاز زندگی، کودک از دیگران فرامی گیرد که چه رفتارهایی از او انتظار می رود و او دارای چه نوع شخصیتی است(۲). هدفهای بنیانی فرایند اجتماعی شدن را می توان به شرح زیر خلاصه کرد:

۱. شخص باید مهارتهای ضروری را که برای زندگی در جامعه ضروری است فرا بگیرد.
۲. شخص باید بتواند به صورت مؤثری با دیگران ارتباط برقرار کند و توانایی خواندن، نوشتن و سخن گفتن پیدا کند.
۳. فرد باید بتواند نیازهای بدنی خود، همچون قضای حاجت را به شیوه های قابل قبول جامعه برآورد.
۴. فرد باید ارزشها و اعتقادات اساسی جامعه را در ذهن خود متمرکز کند (۴).

بنابراین هدف مشترک تمام عوامل جامعه پذیری آن است که هنجارها، ارزش ها، اعتقادات مذهبی، اجتماعی، اخلاقی و غیره را در فرد درونی نمایند. اما فرایندی که هر نهاد طی می کند با دیگری متفاوت و گاهی مشابه است، این تفاوت در روش های هر نهاد که به راستی به طور اخص بر خانواده و مدرسه تأکید می گردد، سبب می شود نتایج تربیتی مختلفی حاصل گردد. نتایج تجربیات علمی و عملی نشان می دهد که مشکلات عمده رفتاری و شخصیتی در گروه نوجوانان و حتی جوانان جامعه عدم انطباق و سازگاری با انواع متضاد هنجارها و ارزش هایی است که در فرآیند اجتماعی شدن از مجرای خانه و مدرسه فرا گرفته است (۴).

اجتماعی شدن ممکن است به گونه ای رسمی و هم غیر رسمی صورت پذیرد. نهادهای آموزشی و نظامی، نمونه نهادهای رسمی

پایگاه اجتماعی- اقتصادی خانواده با توجه به نظرات گود، اعزازی و برنشتاین در شکل گیری رفتار فرد بسیار مهم است. از تعاریف متفاوت و مختلف جامعه پذیری و شیوه های این فرایند، از برآیند مباحث اندیشمندان، موارد زیر برگزیده شده اند: الگوسازی، تنبیه، تشویق، روابط عاطفی و برهان و دلیل. به نظر می رسد خانواده به عنوان نهادی غیررسمی در رسالت جامعه پذیری خود، تفاوت هایی دارند که گاهی این تفاوت ها بروز تعارض شدید در افراد جامعه پذیر شونده را باعث می شود. این تفاوت ها یا در نوع هنجارها و ارزش هایی است که این دو نهاد قصد درونی کردن آنها را در فرد جامعه پذیر دارند یا در نوع شیوه تربیتی (مثبت و منفی) است که در فرایند جامعه پذیری اتخاذ می کنند. (۸).

مدرسه: درحالی که خانواده در جوامع ابتدایی مسئول مستقیم اجتماعی ساختن نخستین دوران کودکی است، در جوامع پیشرفته، این مسئولیت به سازمانهای رسمی، مانند مدرسه واگذار شده است. در واقع، مدرسه نخستین دستگاهی است که مسئولیت انتقال دانش ها و معارف انباشته شده به کودک را برعهده دارد و راهی است که کودک از حدود پنج، شش سالگی برای وارد شدن به جامعه باید بیاماید. مدرسه به عنوان عامل اجتماعی ساختن، براساس قواعدی که انتظار دارد فرد از آن تبعیت کند، سازمان یافته است (۹).

گروه های همسالان: گرچه هدف عمده گروههای همبازی تفریح و سرگرمی است، اما این گونه گروهها پس از خانواده، احتمالاً مهم ترین و مؤثرترین عامل اجتماعی شدن کودک است. از آنجا که گروه همسالان تقریباً هم سن یکدیگرند و احساس برابری می کنند، معمولاً از معیارهای مشترکی که به اشخاص مسئول گروه مرتبط است پیروی می کنند. گروه همسالان به عنوان عامل اجتماعی ساختن کودک، در دوران بلوغ به اوج اهمیت و تأثیر خود می رسد. در این هنگام، کسب محبوبیت و مورد پسند واقع شدن یکی از اهداف مهم نوجوانان می شود و پذیرش ارزش های گروه همسالان، به طور وسیعی به پذیرش فرد در آن گروه کمک می کند (۱۰).

رسانه های جمعی: در غالب کشورهای پیشرفته صنعتی، رسانه های جمعی نقش مهمی را در فرایند اجتماعی شدن بازی می کنند. افراد در این جوامع و حتی در برخی از جوامع جهان سوم، وقت بسیاری را صرف خواندن، ورق زدن کتب، روزنامه ها، تماشای برنامه های تلویزیون، گوش دادن به رادیو، خواندن مجلات و رفتن به سینما می کنند. شایان ذکر است که رسانه های جمعی، هم می توانند هنجارهای اجتماعی را تقویت کنند و هم آنها را آشفته سازند؛ بدین معنی که هر آنچه پخش یا نشر می کنند، معرف بازتاب واقعی جامعه جلوه دهند. باید در عین حال در نظر داشت که رسانه های جمعی، تنها یکی از منابع تعیین هنجارهایی است که در اختیار و دسترس افراد قرار می گیرد (۱۱).

با توجه به اینکه تربیت رسمی بیش از هر چیز تابع محیط اجتماعی و شرایط تاریخی است و وضعیت جامعه، می تواند حدود و ثغور و ویژگی های آن را رقم بزند، شناخت واقعیت های جامعه موجب تجویز ساز و کارهای مناسب و عقلانی تربیت رسمی و عمومی خواهد شد. برخی از مهم ترین مبانی جامعه شناختی منطبق با

است که به صورت دستگاه ساخت یافته تری، مسئول انتقال شیوه های پذیرفتنی عمل و اندیشه جامعه به فرد است. در عین حال اجتماعی شدن ممکن است از طریق روابط متقابل با گروه های همبازی یا عضویت در گروه های غیررسمی و باشگاه ها نیز صورت پذیرد (۵).

همانطور که گفته شد فرآیند جامعه پذیری در خانواده به طور غیر رسمی و با میزان بالای روابط عاطفی و به دور از روابط خشک و کلیشه ای صورت می گیرد. در مدرسه، فرآیند جامعه پذیری به طور رسمی و با اجرای احکام خشک و غیرعاطفی همراه است. این تفاوت بین جامعه پذیری رسمی مدرسه و جامعه پذیری غیر رسمی خانواده حائز اهمیت است. مدت جامعه پذیری غیر رسمی خیلی طولانی تر از آموزش و پرورش رسمی است. چرا که از بدو تولد فرد تا لحظه مرگ او تداوم دارد و به علت این که جامعه پذیری از ابتدا با تجربه های فردی همراه است، باعث می شود که فرد با آغوش باز از آن استقبال کند، در صورتی که مدرسه و یا محیط کار به دلیل رسمی بودن، دارای روابط خشک و غیرعاطفی است و ناگزیر به عنوان تکلیف فرد در برابرش موضع می گیرد. در مدارس طی زمان های کوتاه به دانش آموزان درس اخلاق داده می شود، ولی وقتی دانش آموز به خانه یا محله خود باز می گردد چیزی سوازی آن را به طور مکرر و مداوم تجربه می کند (۶). مثلاً فرد در مدرسه یاد می گیرد که ناسزا گفتن و پرخاش کردن خوب نیست. ولی خارج از مدرسه یاد گرفته است که اگر جواب پرخاش های دیگران را در کوچه و بازار ندهد، بایستی ناسزاهای آنها را تحمل کند، از این رو او هم پرخاش می کند، زیرا از همان ابتدا تجربه می کند آن چیزی که در کتاب می خواند با آنچه در زندگی خویش یاد می گیرد دو مقوله ی جدا از هم هستند (۷).

عمده ترین عوامل اجتماعی ساختن کودک، خانواده، مدرسه، گروههای همسال و رسانه های جمعی است.

خانواده: فرایند اجتماعی شدن کودک از خانواده شروع می شود. خانواده برای کودک کم سن و سال معرف همه دنیایی است که او را احاطه کرده است. تصویر خود در نزد کودک، انعکاس احساسی است که اعضای خانواده نسبت به او دارند؛ بنابراین تصویری که فرد از خود و نیز از جهان پیرامون و از افرادی که در پیرامون اویند دارد، به طور مستقیم تحت تأثیر وجهه نظر و باورهای خانواده اش قرار دارد. ارزشهایی که فرد می پذیرد و نقشهای مختلفی را که از او انتظار می رود ایفا کند، در بدو امر، در درون شبکه روابط خانوادگی آموخته می شود و کودک آنها را فرا می گیرد (۸). ویلیامز جی گود معتقد است خانواده، مهم ترین نهاد جامعه پذیری، با عمل کردن به شیوه های زیر در فرایند جامعه پذیری کودک موفق است:

۱. داشتن روابط عاطفی با فرزند؛ ۲. اقتدار شناخته شده؛ ۳. داشتن نقش الگویی؛ ۴. پایداری در روابط؛ ۵. دادن آزادی به فرزند؛ ۶. برقراری ارتباط با ارائه توضیح و دلیل و ۷. تنبیه و تشویق مناسب.

ناسی آیزنبرگ شیوه های تربیتی را در جامعه پذیری کودک به صورت زیر برشمرده است: ۱. الگوسازی؛ ۲. تأثیر پند و اندرز بزرگسالان؛ ۳. راهنمایی برای کمک کردن؛ ۴. انتساب صفات معین اجتماعی؛ ۵. تنبیه و تشویق و ۶. اهمیت آموزش همدلی. همچنین

هویت سازمانی معلمان تربیت‌بدنی ارتباط مثبت معنادار وجود دارد. نتایج مدل تحلیل مسیر نیز نشان داد که مؤلفه‌های جامعه‌پذیری سازمانی ۶/۴۲ درصد از واریانس کل تغییرات هویت سازمانی معلمان تربیت‌بدنی را تبیین می‌کنند و در این میان مؤلفه‌های آموزش، حمایت همکاران و چشم‌انداز آینده اثری مثبت و معنادار بر هویت سازمانی معلمان تربیت‌بدنی داشته و اثر تفاهم بر هویت سازمانی معنادار نبوده است. یافته‌ها نشان دادند که مؤلفه‌های آموزش و چشم‌انداز آینده بیشترین اثر را بر هویت سازمانی معلمان دارند (۳).

مواد و روش‌ها

این مطالعه یک مطالعه به روش آمیخته (کمی و کیفی) است. در مرحله کیفی با استفاده از مصاحبه نیمه ساختار یافته مولفه‌های اولیه از روش تحلیل مضمون شناسایی شد. مشارکت کنندگان در پژوهش را افراد خبره در زمینه رشته‌های فلسفه تعلیم و تربیت و مدیریت آموزشی دارای مدرک تحصیلی مرتبط و یا مقاله، کتاب و یا تالیفی داشته‌اند و همچنین در این زمینه تدریس کرده باشند، تشکیل داده‌اند. معیارهای ورود به مطالعه عبارت بودند از خبرگان با حداقل سه سال تجربه فعالیت در دانشگاه در زمینه مدیریت آموزشی و فلسفه تعلیم و تربیت، متخصصین با حداقل تحصیلات دکتری در زمینه‌های فلسفه تعلیم و تربیت و مدیریت آموزشی. روش نمونه‌گیری نیز به صورت هدفمند بود. از نظر تشکر و تبادلیه در این روش نمونه‌گیری، موارد بصورت غیرتصادفی و کاملاً هدفمند انتخاب می‌شوند. که در بخش کیفی تعداد ۱۶ نفر از خبرگان در این پژوهش مشارکت داشتند. فرایند تحلیل مضمون کیفی برای تعیین مهم‌ترین تعیین‌کننده‌های جامعه‌پذیری دانش‌آموزان متوسطه دوم بر اساس مبانی جامعه‌شناختی سند تحول بنیادین نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران استفاده شد. روش گردآوری داده‌ها برای جمع‌آوری داده‌های کمی، پرسشنامه وضعیت موجود با ۴۸ سوال طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای از خیلی زیاد تا خیلی کم طراحی گردید. جامعه آماری در این بخش مدیران، معاونین و دبیران مدارس دوره متوسطه دوم استان بوشهر بودند که بر اساس جدول مورگان ۳۳۵ نفر بدست آمد که از روش نمونه‌گیری مرحله‌ای انتخاب شدند.

میانگین زمانی مصاحبه‌ها ۸۴ دقیقه بود. پس از پیاده‌سازی مصاحبه‌ها، به منظور تحلیل داده‌ها از روش تحلیل مضمون و همزمان با جمع‌آوری داده‌ها استفاده شد. بدین ترتیب که پس از انجام مصاحبه‌ها ابتدا متن نوارها پیاده شد. پس از آن یک نسخه از کدهای استخراج شده برای مصاحبه شونده ارسال و تایید شد. جهت آشنایی با داده‌ها و غرق شدن، داده‌ها چندین مرتبه بازخوانی گردید بدین ترتیب کدهای اولیه شناسایی و کدهای اولیه مشابه در یک طبقه کنار هم قرار گرفتند و طبقات اولیه شکل گرفت. این طبقات در هم ادغام شده و درون مایه‌ها را تشکیل دادند. همچنین جهت اطمینان

دیدگاه اسلامی درسند تحول بنیادین نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی به شرح زیر اشاره شده است:

رویکرد جامعه‌شناختی مطلوب، بر اساس اصل فلسفی وحدت در کثرت و کثرت در وحدت، رویکردی است که هر دو جریان کلان اجتماعی یعنی "انسجام" و "تمایز یافتگی" را در کنار هم در نظر می‌گیرد و تبیینی کلان از آن‌ها ارائه می‌دهد. یعنی هم بر وحدت و انسجام اجتماعی تأکید دارد و هم بر وجود کثرت در گروه‌ها و فرهنگ‌ها عنایت.

اما با نگاه اجمالی به ساختار تعلیم و تربیت کشور می‌توان گفت که آن طور که باید و شاید به مبحث جامعه‌پذیری مبتنی بر مبانی جامعه‌شناختی سند تحول بنیادین دانش‌آموزان توجه نشده است. بنا به ملاحظات فوق با توجه به اهمیت جامعه‌پذیری دانش‌آموزان و عملیاتی نمودن اهداف سند تحول بنیادین نیاز به الگویی عملی در این زمینه احساس می‌شود. لذا مسئله‌ی اصلی در این پژوهش این است که چه مدلی برای جامعه‌پذیری دانش‌آموزان مبتنی بر مبانی جامعه‌شناختی سند تحول بنیادین نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران می‌توان طراحی نمود؟
پیشینه پژوهش:

اسچووارز^۱ در پژوهشی تحت عنوان «جامعه‌پذیری سیاسی و انتقال بین نسلی: داستان‌های زندگی فعالان جنبش اجتماعی جوان در مراکش» به بررسی عوامل موثر بر جامعه‌پذیری بین نسل‌ها پرداخته‌اند (۱۲).

والنته^۲ و همکاران در پژوهشی تحت عنوان «جامعه‌پذیری مربوط به احساسات در کلاس: با در نظر گرفتن نقش معلمان، همسالان و متن کلاس» عوامل تأثیرگذار جامعه‌پذیری بر احساسات را بررسی نمودند. نتایج این پژوهش نشان داد که خودتنظیمی و سازگاری با محیط می‌تواند بر جامعه‌پذیری دانش‌آموزان تأثیر مستقیم داشته باشد (۱۳).

محمدی و رشیدی در پژوهشی تحت عنوان «بررسی رابطه آموزش توانمندسازی معلمان مدارس ابتدایی لردگان بر کارآفرینی آموزشی و جامعه‌پذیری سازمانی آنان» هدف از انجام این پژوهش بررسی رابطه آموزش توانمندسازی معلمان مدارس ابتدایی لردگان بر کارآفرینی آموزشی و جامعه‌پذیری سازمانی آنان بود. این پژوهش کاربردی و از نوع همبستگی بوده که جامعه آماری معلمان مدارس ابتدایی شهر لردگان بودند و روش نمونه‌گیری نمونه‌گیری تصادفی ساده بود. نتایج حاصل از تحقیق نشان داد که آموزش توانمندسازی معلمان مدارس ابتدایی لردگان بر کارآفرینی آموزشی و جامعه‌پذیری سازمانی آنان اثرگذار است (۱۴).

نظری در پژوهشی تحت عنوان «ارتباط میان جامعه‌پذیری سازمانی و هویت سازمانی معلمان تربیت‌بدنی شهرستانهای استان تهران» به بررسی عوامل تأثیرگذار بر ساماندهی جامعه‌پذیری معلمان پرداخت. یافته‌های تحقیق نشان داد که میان جامعه‌پذیری سازمانی و ابعاد آن (آموزش، تفاهم، حمایت همکاران، چشم‌انداز آینده) با

³ Tashakkori and Teddlie

¹ Schwarz

² Valiente

تقویت حس رقابت سالم با همسالان بازی در بین گروه همسالان اشتراک گذاری دانش با دوستان به صورت گروهی احترام گذاشتن به شخصیت و خصوصیات فردی همسالان نداشتن خصوصیات خاص که به روابط درون فردی لطمه می زند (پوشش خاص و غیر متعارف، تکه کلام های خاص، اهمیت ارتباطات خانوادگی و همبستگی بین اعضای خانواده خلاصیت و مهارت آشنایی با هنرهای کاربردی (موسیقی، نقاشی، داستان نویسی، شعر و) در جهت جامعه پذیری و جمع گرایی دانش آموزان ایجاد توانایی استفاده از وسایل ارتباط جمعی آشنایی با فضای مجازی در جهت رشد و حفظ ارتباطات جمعی در مواقع ضروری (محدودیت های خاص مانند کرونا) نگرش اعتماد به معلمان در مدرسه احترام و التزام به توصیه های معلمان در مدرسه اهمیت دادن و توجه به توصیه های مربوط نحوه درس خواندن و ارائه مطالب در کلاس درس خانواده تحصیلات مادر تحصیلات پدر روابط پدر و مادر با فرزندان ارتباط درونی خانواده دادن آزادی به فرزند داشتن روابط عاطفی با فرزند تنبيه و تشويق مناسب عوامل محیطی (۳) مجموع زیرکدها (۱۲۵) مدرسه ایجاد محیط بازی برای دانش آموزان ایجاد فضایی جهت فعالیت های گروهی تدوین مقررات و قوانین مخصوص مدرسه ملزم نمودن دانش آموزان به رعایت قوانین مدرسه تقویت مسؤلیت پذیری در دانش آموزان تقویت باورها و ارزش های فرهنگی در دانش آموزان تشویق معلمان به کاربرد روش های تدریس گروهی در راستای تقویت روحیه جامعه پذیری دانش آموزان افزایش مشارکت و اثربخشی همگانی به ویژه خانواده در مدرسه بهسازی و تحول در نظام برنامه ریزی آموزشی و درسی استفاده هوشمندانه از تکنولوژی آموزشی اقتصادی بهسازی و تحول در نظام مالی و اداری و زیرساختهای کالبدی کمک به خانواده ها در تهیه وسایل برای فرزندان کمک هزینه های تحصیلی به شکل هدیه و جایزه ارائه آموزش رایگان برای خانواده های کم درآمد

از صحت داده های جمع آوری شده، درگیری طولانی مدت و عمیق داده ها وجود داشت. بعلاوه، دو پژوهشگر دیگر علاوه بر پژوهشگران اصلی، در تحلیل داده ها مشارکت داشتند. پژوهشگر دست نوشته ها را برای تایید کدگذاری و طبقات می خواندند. برای افزایش تاییدپذیری مجدداً به مشارکت کنندگان مراجعه میگردید. داشتن حداکثر تنوع در نمونه گیری و دیدارهای طولانی، راه های دیگر افزایش اعتبار داده ها بودند. از همان مصاحبه اولیه کدها و طبقات فرعی شکل گرفتند و سپس کاهش داده ها در تمام واحدهای تحلیل (کدها) ادامه یافت تا درون مایه ها ظهور یافتند. مصاحبه ها تا مرحله اشباع نظری داده ها ادامه یافت. تحلیل محتوای کیفی با نرم افزار MAXQDA ۱۲ انجام شد. برای معادلات ساختاری از نرم افزار smart pls ۳ و برای تعیین اعتبار مدل از نرم افزار SPSS ۲۵ استفاده شد. در این پژوهش اخذ رضایت نامه آگاهانه، حفظ اطلاعات هویتی و رعایت امنیت داری در پیاده سازی محتوای مصاحبه ها به عنوان ملاحظات اخلاقی مد نظر قرار گرفت.

یافته ها

سوال اول: ابعاد، مولفه ها و شاخص های جامعه پذیری دانش آموزان متوسطه دوم بر اساس مبانی جامعه شناختی سند تحول بنیادین نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران کدامند؟
برای پاسخ به این سوال مصاحبه هایی با سوالات نیمه ساختار یافته طراحی شد و از خبرگان امر فلسفه تعلیم و تربیت و مدیریت آموزشی به عمل آمد. که از مجموع ۱۶ نفر خبرگان مشارکت کننده در این تحقیق ۱۲ نفر عضو هیات علمی در رشته های فلسفه تعلیم و تربیت، جامعه شناسی، مدیریت آموزشی و آموزش ابتدایی و ۴ نفر مدیران مدارس بودند. فرایند تحلیل محتوای کیفی برای تعیین مهم ترین تعیین کننده های جامعه پذیری دانش آموزان متوسطه دوم بر اساس مبانی جامعه شناختی سند تحول بنیادین نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران استفاده شد. در این فرایند ۵۵ کد اولیه استخراج گردید. با بازبینی متعدد و ادغام کدها بر اساس تشابه و طی چندین مرحله، در نهایت ۹ مولفه برای جامعه پذیری دانش آموزان متوسطه دوم بر اساس مبانی جامعه شناختی سند تحول بنیادین ن و ۲ درون مایه اصلی و ۴۸ شاخص (مطابق جدول شماره ۱) استخراج کردید.

جدول ۱. ابعاد و مولفه ها و شاخص های جامعه پذیری دانش آموزان بر اساس مبانی جامعه شناختی سند تحول بنیادین نظام تعلیم و تربیت

کدهای باز، کدهای محوری و انتخابی جامعه پذیری دانش آموزان بر اساس مبانی جامعه شناختی سند تحول بنیادین نظام تعلیم و تربیت
جامعه پذیری دانش آموزان بر اساس مبانی جامعه شناختی سند تحول بنیادین (۲۴۶)
عوامل درون فردی (۲) مجموع زیرکدها (۱۲۱)
ارتباطات و تعامل
تقویت تعامل با همسالان در کلاس درس

توانمند سازی دانش آموزان ساکن در مناطق محروم، روستاها، حاشیه شهرها، عشایر کوچ نشین

اجتماعی

رعایت عدالت اجتماعی

ایجاد محیطی مناسب برای یادگیری متنوع و با کیفیت برای تمام دانش آموزان

آموزش همگانی در تمام شهرها و روستاها

ایجاد اعتماد و یاری گرفتن از دانش آموزان برای آموزش همسالان ضعیف تر

سیاسی

آشنایی با نخله های سیاسی

آشنایی دانش آموزان با نحوه ورد به سیاست

آشنایی با قدرت های سیاسی موفق در دنیا

شرکت در برنامه های سیاسی درون مدرسه (نماینده گی مدرسه

و...)

ابراز نظر ها و عقاید سیاسی به صورت آزاد در مدرسه و در گروه همسالان با راهنمایی معلمان به عنوان تسهیل گر

عوامل ارزشی و فرهنگی

تقویت باورها و ارزش های دینی

آموزش پایبندی به اصول و ارزش های دینی در بین دانش آموزان اختصاص قسمتی از برنامه درسی به معرفی هنرها و جغرافیا و ...

روستا ها و عشایر با رعایت استانداردهای اسلامی دینی

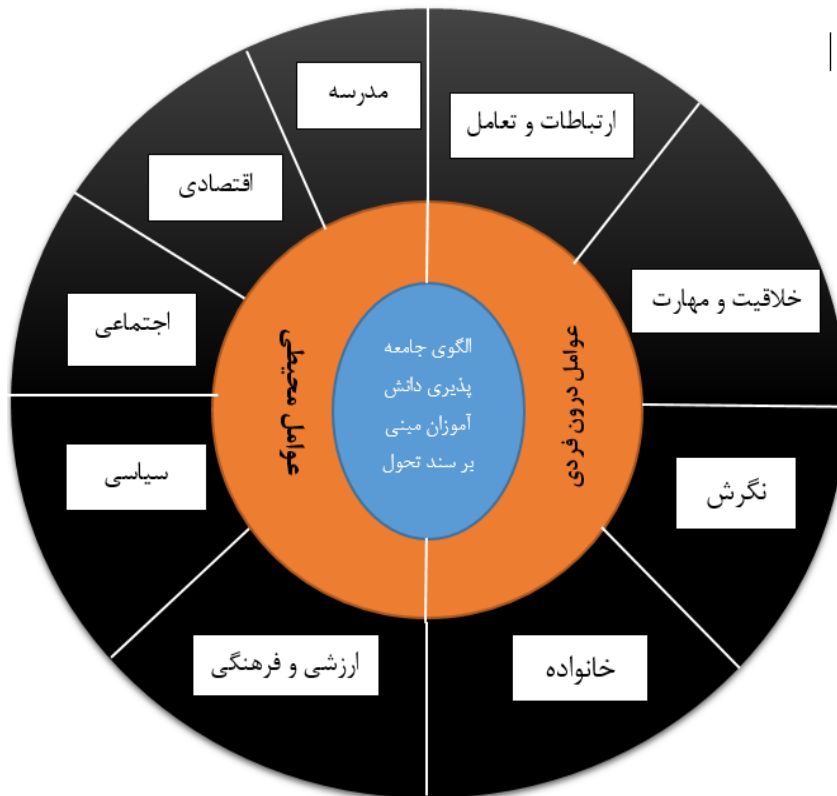
پایبندی معلمان و دانش آموزان به اصول و ارزش های اخلاقی

مجموع کدهای انتخابی (۲)، مجموع کدهای محوری (۹)، مجموع

کدهای باز (۴۸) و در کل تعداد ارجاعات به کدهای باز، محوری

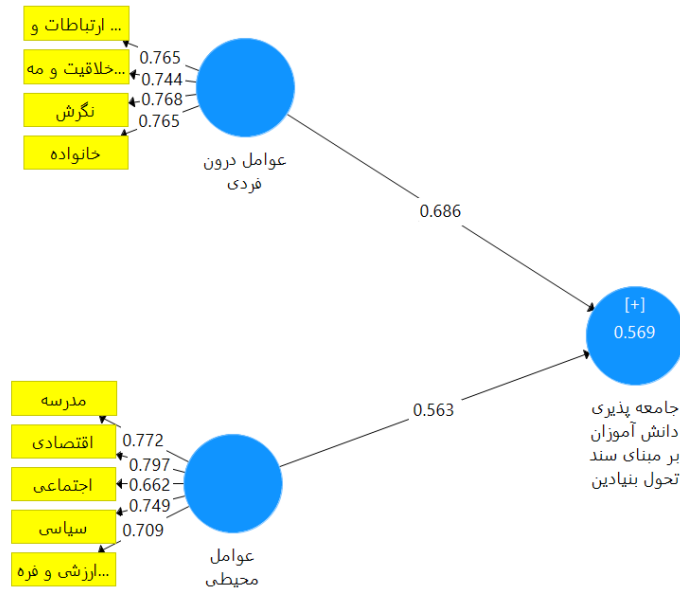
و انتخابی برابر ۲۹۱ ارجاع از ۱۶ مصاحبه بود.

در نهایت یکپارچه سازی مولفه ها در شکل زیر مشخص شد.

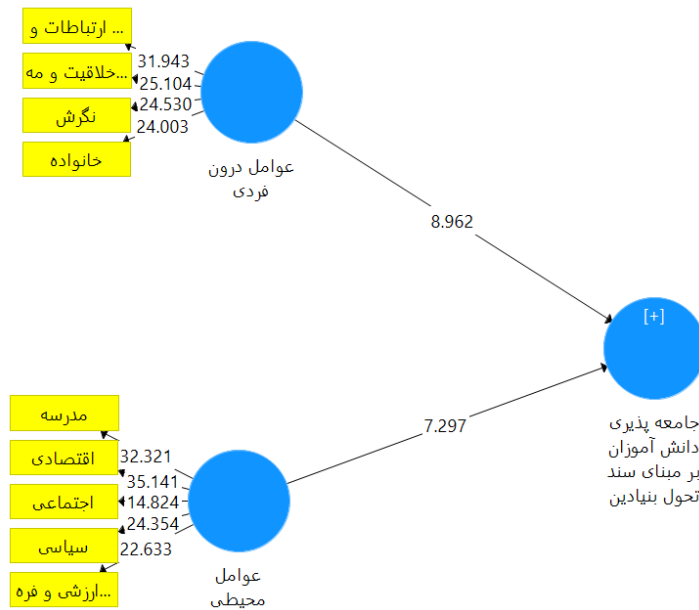


شکل ۱. یکپارچه سازی شاخص ها، مولفه ها و ابعاد جامعه پذیری دانش آموزان بر اساس مبانی جامعه شناختی سند تحول بنیادین نظام تعلیم و تربیت

پاسخ سوال دوم: سهم هر عامل بر جامعه پذیری دانش آموزان بر اساس مبانی جامعه شناختی سند تحول بنیادین نظام تعلیم و تربیت به چه میزان است؟
برای پاسخ به این سوال در نمونه اصلی به تعداد ۳۳۵ نفر پرسشنامه توزیع گردید و نتایج آن به روش معادلات ساختاری نمایش داده شد.



شکل ۲) تکنیک حداقل مربعات جزئی الگوی پژوهش



شکل ۳) آماره t-value الگوی پژوهش با تکنیک بوت استراپینگ

مدل است. چین ۱۹۹۸ سه مقدار ۰,۱۱۸-۰,۳۳-۰,۱۹ را به عنوان ضعیف، متوسط، قوی بودن مدل را تعیین می کنند. مقدار R^2 برای سازه 0.569 بدست آمده است. با توجه به سه مقدار ملاک مناسب بودن برازش مدل ساختاری را تایید می سازد. برازش کلی مدل (معیار GOF): این معیار مربوط به بخش کلی مدل های معادلات ساختاری است. بدین معنی که توسط این معیار، محقق می تواند پس از بررسی برازش بخش اندازه گیری و بخش ساختاری مدل کلی پژوهش خود برازش

- معیار R^2 یا R^2 squares :

معیاری است که برای متصل کردن بخش اندازه گیری و بخش ساختاری مدل سازی معادلات ساختاری به کار می رود و نشان از تاثیر ی دارد که یک متغیر برون زا بر یک متغیر درون زا می گذارد. نکته ی ضروری در اینجا این است که R^2 تنها برای سازه های درون زا (وابسته) مدل محاسبه می گردد و در مورد سازه های برون زا مقدار این معیار صفر است. هر چه قدر مقدار R^2 مربوط به سازه های درون زا یک مدل بیشتر باشد نشان از برازش بهتر

$$GOF = \sqrt{0.489 \times 0.569} = \sqrt{0.255} = 0.527$$

با توجه به GOF بدست آمده ۰.۵۲۷ می توان نتیجه گرفت که این مدل از برازش خوبی برخوردار است.

نتایج شکل ۳ بیانگر تایید تمام عوامل بر روی جامعه پذیری دانش آموزان بر اساس مبانی جامعه شناختی سند تحول بنیادین نظام تعلیم و تربیت است.

بخش کلی را نیز کنترل نماید. معیار GOF توسط تنهاس و همکاران (۲۰۰۴) ابداع گردید و طبق فرمول زیر محاسبه می گردد:

$$GOF = \sqrt{Avg(Communalities) \times R^2}$$

وتزلس و همکاران^۱ سه مقدار ۰.۰۱-۰.۲۵-۰.۳۶ را به عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای GOF معرفی نموده اند.

محاسبه معیار GOF:

$$R^2=0.569$$

جدول ۲. اولویت بندی و بررسی سهم هر عامل در جامعه پذیری دانش آموزان متوسطه دوره دوم بر مبنای سند تحول بنیادین

رتبه بندی	آماره تی	ضریب	مولفه ها
۴	۳۱,۹۴۳	۰,۷۶۵	ارتباطات و تعامل
۶	۲۵,۱۰۴	۰,۷۴۴	خلاقیت و مهارت
۳	۲۴,۵۳۰	۰,۷۶۸	نگرش
۴	۲۴,۰۰۳	۰,۷۶۵	خانواده
۲	۳۲,۳۲۱	۰,۷۷۲	مدرسه
۱	۳۵,۱۴۱	۰,۷۹۷	اقتصادی
۸	۱۴,۸۲۴	۰,۶۶۲	اجتماعی
۵	۲۴,۳۵۴	۰,۷۴۹	سیاسی
۷	۲۲,۶۳۳	۰,۷۰۹	ارزشی و فرهنگی
رتبه بندی	آماره تی	ضریب	جامعه پذیری دانش آموزان بر مبنای سند تحول بنیادین
۱	۸,۹۶۲	۰,۶۸۶	عوامل درون فردی
۲	۷,۲۹۷	۰,۵۶۳	عوامل محیطی

جامعه را می آموزد، شخصیت می دهد و ظرفیت های او را در جهت انجام وظایف فردی و به عنوان عضو جامعه، توسعه می بخشد، در آغاز زندگی، کودک از دیگران فرا می گیرد که چه رفتارهایی از او انتظار می رود و او دارای چه نوع شخصیتی است. دلایل متعددی وجود دارد که باعث عدم دسترسی ما به نظریه های بومی می شود که یکی از آنها کاربرد روش پژوهش می باشد. در جامعه فعلی ما اکثر پژوهش ها به روش کمی که در پارادایم اثبات گرایی معنی دارد انجام می شود. بر این باوریم که در صورتی که تحقیقات به صورت کیفی که منجر به شناخت عمیق از پدیده ها و افراد می شود صورت گیرد امکان ایجاد نظریه را برای پژوهشگران و جامعه علمی کشور فراهم می سازد. از جنبه های نوآورانه این پژوهش می توان به روشی که در ساخت مدل استفاده شده یعنی روش کیفی و روش نظریه نام برد چرا که اکثر مدل هایی که ساخته شده اند از رویکرد کیفی فاصله گرفته و به سمت رویکردهای کمی پیش رفته اند. بکارگیری نرم افزار مکس کیو دی ای را نیز می توان بکارگیری فن آوری روز دنیا در ساخت نظریه ای این پژوهش دانست. روش هایی که برای شناسایی و سنجش عوامل اثر گذار استفاده شده است هم روش های کمی و هم روش های کیفی بوده که حرکت این پژوهش ها بیشتر به سمت رویکردهای کمی پیشروی کرده اند. در این پژوهش ما یافته های علمی و همچنین مدل های طراحی شده در حوزه غربی را می پذیریم و ضمن احترام به یافته های این پژوهشگران تنها به دلیل اینکه خاستگاه این نظریه ها، تنها بر مبنای جامعه پذیری دانش

با توجه به جدول ۲ سهم هر عامل در جامعه پذیری دانش آموزان بر مبنای سند تحول بنیادین مشخص گردید و نتایج نشان داد که مولفه های اقتصادی با سهم (۰,۷۹۷)، مدرسه (۰,۷۷۲)، نگرش (۰,۷۶۸)، ارتباطات و تعامل (۰,۷۶۵)، خانواده (۰,۷۶۵)، سیاسی (۰,۷۴۹)، خلاقیت و مهارت (۰,۷۴۴)، ارزشی و فرهنگی (۰,۷۰۹)، و اجتماعی (۰,۶۶۲) به ترتیب دارای بیشترین سهم در جامعه پذیری دانش آموزان متوسطه دوره دوم بر مبنای سند تحول بنیادین هستند. همچنین در جدول ۲ نتایج نشان می دهد که در میان ابعاد جامعه پذیری دانش آموزان متوسطه دوره دوم بر مبنای سند تحول بنیادین بعد درون فردی با ضریب (۰,۶۸۶) و بعد محیطی با ضریب (۰,۵۶۳) به ترتیب بیشترین سهم را در جامعه پذیری دانش آموزان متوسطه دوره دوم بر مبنای سند تحول بنیادین در بین ابعاد دارند.

نتیجه گیری

در جهان امروز نهادهای اجتماعی وظیفه شان شکل دادن به افکار، رفتار و شخصیت افراد بر اساس ارزش ها و هنجارهایی است که خود این نهادها حامل آن هستند. این نهادها توسط فرآیند جامعه پذیری؛ تجربیات، ارزش ها و هنجارها را به افراد منتقل می کنند و فرد بر اثر همنا شدن با ارزش ها و هنجارهای گروه، وظائف، رسم های اجتماعی، تشریفات، آداب اجتماعی، اخلاق، سنت های اجتماعی و رفتار مناسب برای زندگی در جامعه را می آموزد (۱). اجتماعی شدن فرایندی است که به انسان، راه های زندگی کردن در

fundamental transformation of education ..
 Pooyesh in humanities education, 5 (20), 61-74.

5. Aldana, A., & Byrd, C. M. (2015). School ethnic – racial socialization: Learning about race and ethnicity among African American students. *The Urban Review*, 47, 563–576. <https://doi.org/10.1007/s11256-014-0319-0>.

6. Amemiya, J., Mortenson, E., & Wang, M.-T. (2019). Minor infractions are not minor: School infractions for minor misconduct may increase adolescents' defiant behavior and contribute to racial disparities in school discipline. *American Psychologist*, 75 (1), 23–36. <https://doi.org/10.1037/amp0000475>.

7. Hassanzadeh, Nemat, Esmaili Shad, Behrang, Soleiman Pour-Omran, Mahboubeh (2018) The effect of educational programs on the sociology of elementary school students, *Journal of Sociology of Education* No. 6, Spring and Summer: 78-69.

8. Golestan, Hassan; Amin Beidakhti, Ali Akbar and Jafari, Sakineh (2018). The Relationship between Selfish and Community-Based Perfectionism and Academic Burnout Due to the Mediating Role of Internal and External Motivation, *Quarterly Journal of Clinical Psychology*, Tenth Year, No. 1, 89-79.

9. Chan, K. K. H., Xu, L., Cooper, R., Berry, A., & van Driel, J. H. (2021). Teacher noticing in science education: do you see what I see ?. *Studies in Science Education*, 57 (1), 1-44.

10. Dee, T. S., & Penner, E. K. (2017). The causal effects of cultural relevance: Evidence from an ethnic studies curriculum. *American Educational Research Journal*, 54, 127–166. <https://doi.org/10.3102/0002831216677002>.

11. Del Toro, J., Hughes, D., & Way, N. (2020). Inter-relations between ethnic-racial discrimination and ethnic-racial identity among early adolescents. *Child*

آموزان و سند تحول بنیادین است قسمت‌هایی که در این نظریه‌ها پذیرفته و بخش‌های دیگری که این مولفه‌ها را به تفکیک بیان می‌کند به آن افزوده ایم. در مرحله اول این پژوهش برای شناسایی شاخص‌های جامعه‌پذیری دانش‌آموزان متوسطه دوره دوم بر مبنای سند تحول بنیادین از مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته استفاده شد که در نهایت ۲ بُعد و ۹ مولفه و ۴۸ شاخص شناسایی شد. در بخش دوم با استفاده از روش معادلات ساختاری میزان تاثیر هر بُعد و مولفه بر جامعه‌پذیری دانش‌آموزان متوسطه دوره دوم بر مبنای سند تحول بنیادین مشخص گردید و نتایج نشان داد که بُعد درون فردی با ضریب ۰.۶۸۶ و بُعد عوامل محیطی با ضریب ۰.۵۶۳ به ترتیب بیشترین تاثیرگذاری و اهمیت را در جامعه‌پذیری دانش‌آموزان متوسطه دوره دوم بر مبنای سند تحول بنیادین دارند. نتایج این تحقیقات با نتایج محمدی و رشیدی (۱۴)، مجلل و اسدزاده (۱۵)، دانچئون (۱۶) و کاتریا و جاوید (۱۷) همسو بود. در همین راستا پیشنهاداتی ارائه شد.

- نیازسنجی ابعاد و مولفه‌های درون فردی و عوامل محیطی از دانش‌آموزان و اولیاء.
- سیاست‌های تشویقی جهت تدوین شاخص‌های کیفی برای جامعه‌پذیری دانش‌آموزان متوسطه دوره دوم بر مبنای سند تحول بنیادین توسط وزارت آموزش و پرورش اتخاذ شود.
- نیاز است به منظور موفقیت در جامعه‌پذیری دانش‌آموزان متوسطه دوره دوم بر مبنای سند تحول بنیادین در سطح کشور، در اجرای سیاست‌های توسعه این فرآیند، ثبات وجود داشته باشد و هماهنگی بین بخش‌های مختلف در این زمینه صورت گیرد.

References

1. Arefi M. (2012). Consistency and synergy of the macro policies of the Iranian educational system in the direction of cultural development. *Journal of Cultural Strategy*, 5 (No. 18-17), 153-186.
2. Dehghan, Hossein, Marwat, Borzoo, Ghaffari, Zahra. (2019). Similarities and contradictions between the values and norms of the family and school institution and its effect on students' socialization. *Journal of Family and Research*; 16 (4): 41-64
3. Nazari, Shahram. (2019). Relationship between organizational socialization and organizational identity of physical education teachers in the cities of Tehran province. *Journal of Family and Research*; 16 (2): 101-122.
4. Ahmadi, Alireza, Nouri Aibloo, Hamidreza. (2020). Investigating the position of intellectual education in the document of

Development.

<https://doi.org/10.1111/cdev.13424>.

12. Schwarz, C. H. (2021). Political socialization and intergenerational transmission: life stories of young social movement activists in Morocco. *The Journal of North African Studies*, 26 (2), 206-230.

13. Valiente, C., Swanson, J., DeLay, D., Fraser, A. M., & Parker, J. H. (2020). Emotion-related socialization in the classroom: Considering the roles of teachers, peers, and the classroom context. *Developmental psychology*, 56 (3), 578.

14. Mohammadi, Mohammad and Rashidi, Soheila. (2020). Investigating the Relationship between Lordegan Elementary School Teacher Empowerment Training on Educational Entrepreneurship and Their Organizational Socialization. *Journal of New Research Approaches in Management and Accounting*, 4 (48), 99-105.

15. Luxurious, Mohammad Ali, Asadzadeh, Sina. (2019). Assessing the e-literacy of employees and its impact on socialization and organizational change. *Journal of Governmental Organizations Management*, 7 (No. 4 (28)), 118-134.

16. Duncheon, J. C. (2020). "We Are Exposed to That College Environment": Exploring the Socialization of Early College High School Students. *Community College Review*, 48 (2), 173-194.

17. Kataria, J. R., & Javaid, P. D. U. (2020). Political Socialization in Pakistan: A Study of Political Efficacy of the Students of Madrassa. *South Asian Studies*, 32 :(2).